

## فیلمی که احساسات شما را قلقلک می دهد

# کلاس درس «پرویزخان» برای اهالی فوتبال



گذشته‌ای که در آن فوتبالیست‌ها از جنس مردم بودند؛ فوتبالیست حتی در رده ملی، در یک خوابگاه معمولی می‌خوابید، خیلی از کارهایش را خودش انجام می‌داد و نگاه بالا به پایینی نسبت به مردم نداشت.

آن زمان‌ها می‌شد با اعماق قلب و روح، فوتبال را دوست داشت. می‌شد برای بازیکنانی که واقعا به عشق هوادارانشان به میدان می‌رفتند، روی سکوها فریاد زد.

اما طی دو تا سه دهه اخیر، خیلی چیزها به واسطه سواستفاده عده‌ای از همان احساسات ناب، به ناخالصی آلوده شد. حالا دیگر مثل گذشته نمی‌توان فوتبالیست‌ها را دوست داشت؛ فوتبالیست‌هایی که حتی اگر اخلاق و شخصیت درستی هم داشته باشند، فضای زندگی لاکچری و دستمزدهای نجومی‌شان، اجازه «دوست‌داشتنی بودن» به آنها نمی‌دهد. بگذریم که برخی از آنها اخلاق هم ندارند و با رفتارهایشان حتی هواداران خودی را آزار می‌دهند.

در شماره گذشته به برخی علل نامحبوب بودن تیم ملی اشاره کردیم و به نگاه‌های رنگی پرداختیم. اما این علت را هم نباید از نظر دور بداریم که مردم، دیگر این فوتبالیست‌ها را از جنس خودشان نمی‌دانند.

در بحبوحه همه‌ها علیه بازیکنان تیم ملی که حتی روزنامه‌ها را هم در بر گرفته است، فیلمی در جشنواره فیلم فجر روی پرده رفت که احساسات اهالی فوتبال را بدجوری قلقلک داد.

«پرویزخان»: فیلمی درباره سرمربی فقید تیم ملی فوتبال کشورمان، استاد پرویز دهداری.

داستان فیلم، براساس واقعیت شکل گرفته است؛ خاطره‌ای که قدیمی‌ترین آن را به یاد دارند و به جوان‌ترین‌ها انتقال داده‌اند. ماجرای

قهر برخی فوتبالیست‌های نام‌دار تیم ملی در دهه شصت، به خاطر اجرای نظم و انضباط توسط سرمربی منضبط تیم ملی. فیلم از جایی شروع می‌شود که عده‌ای از هواداران سرخابی پایتخت، پشت در قداراسیون فوتبال جمع کرده‌اند و خواستار عزل سرمربی منضبط و بازگشتن بازیکنان مستعفی (۱) هستند.

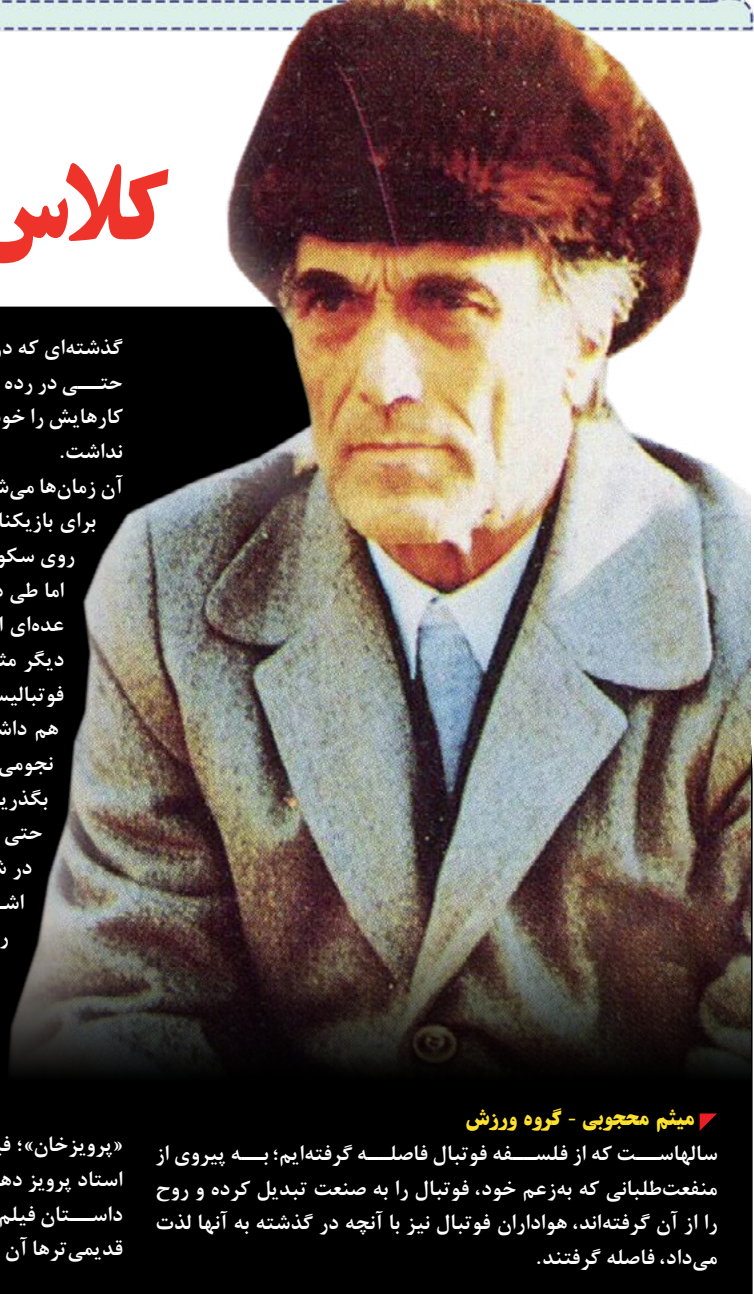
در فیلم شاهد مقاومت و ایستادگی تمام‌قد پرویز دهداری، روی اصول درست خود و در برابر حرف زور هستیم؛ او منفع‌طلب نیست و در حالی که می‌تواند با بازگرداندن بازیکنان خاطی، موقعیت خود را روی گران‌بهارترین نیمکت ورزش کشور تثبیت کند، اما آرمان‌های بلندتری دارد.

او به‌جای بازگرداندن بازیکنان خاطی، به دنبال بازیکنان جوان و مستعد می‌گردد؛ در عین حال، تواضع بازیکنان برایش اهمیت بالایی دارد و از مستعدترین بازیکنان به دلیل تکبری که در رفتارشان می‌بیند، چشم‌پوشی می‌کند.

بالاخره با جست‌وجوی بیشتر در سراسر کشور، استعدادهایی را پیدا می‌کند که نام برخی از آنها تا همیشه در فوتبال کشور ماندگار می‌شود. فیلم علی‌تقی سرشار از لحظه‌های ناب و آموزنده است؛ بازی سعید پورصمیمی خیلی خوب بر دل مخاطب می‌نشیند و مضامین این فیلم برای اهالی فوتبال باورپذیر است.

«پرویزخان» آن قدر نکته مثبت و جذاب دارد که از برخی ضعف‌هایش، مثلا تصنعی بودن استیبل و نوع بازی بازیکنان، چشم‌پوشی کنیم. برخی قسمت‌های فیلم می‌توانست بهتر باشد، اما ارزشمند بودن آن هرگز زیر سؤال نمی‌رود.

این فیلم در جشنواره فجر شیراز تنها دوبار اکران شد؛ باید برای اکران عمومی آن منتظر بهمانیم و آن زمان، واجب است که همه اهالی فوتبال، به خصوص آنهایی که مدارس فوتبال را اداره می‌کنند، دست کم یک‌بار «پرویزخان» را تماشا کنند.



### میثم محبوبی - گروه ورزش

سال‌هاست که از فلسفه فوتبال فاصله گرفته‌ایم؛ به پیروی از منفعت‌طلبانی که به‌زعم خود، فوتبال را به صنعت تبدیل کرده و روح را از آن گرفته‌اند، هواداران فوتبال نیز با آنچه در گذشته به آنها لذت می‌داد، فاصله گرفتند.

## زیر و ارسال نه توافق می‌کنند، نه تمرین در دسر عجیب استقلال برای فسخ دو ستاره



به فسخ و خروج نام مطهری و نیک‌نفس کنند، باید مبلغ قرارداد آنها تا پایان فصل را پرداخت کنند!

نیک‌نفس و مطهری همچون سایر بازیکنان استقلال از سال گذشته نیز مبالغ زیادی طلبکار هستند که هنوز از طرف مدیران باشگاه پرداخت نشده است.

این دو بازیکن با وجود شروع نیم‌فصل دوم از چند روز دیگر از قرارداد امسال خود نیز مبلغ زیادی دریافت نکردند.

در چنین شرایطی آنها به باشگاه گفته‌اند در صورتی حاضر به فسخ قرارداد دو طرفه هستند که درباره مطالبات خود به توافقی برسند و در آینده‌ای نزدیک مبلغی را از باشگاه دریافت کنند؛ این در حالی است که هنوز اقدامی برای پرداخت مطالبات دو بازیکن مذکور صورت نگرفته است.

مسئله‌ای که سبب شده نیک‌نفس و مطهری حاضر به فسخ قرارداد خود و حضور در مس رقستنجان از ازای انتقال فرسید باقی به استقلال نشوند.

تا پایان رسمی نقل‌وانتقالات زمستانی در ایران هنوز زمان زیادی باقی مانده است؛ با این حال مسئله مشخص غیبت نیک‌نفس و مطهری در تمرینات استقلال با درخواست جواد نکونام است و باید دید در روزهای آینده چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و در نهایت تکلیف دو ستاره باتجربه آبی‌پوشان چه خواهد شد.

دو بازیکن باتجربه استقلال حاضر به فسخ قرارداد خود نیستند و برای این مسئله خواسته‌هایی دارند.

به گزارش ورزش سه، در روزهای گذشته مباحث زیادی پیرامون زیر نیک‌نفس و ارسال مطهری، دو ستاره باتجربه استقلال مطرح شده است. نیک‌نفس و مطهری به درخواست نکونام چند روزی است که در تمرینات استقلال حضور ندارند و در بازی دوستانه روز گذشته آبی‌پوشان مقابل مس رقستنجان نیز اثری از آنها نبود!

در این خصوص چند روز قبل نکونام به ارسال مطهری اعلام کرد که در تمرینات شرکت نکند که این مسئله به منزله قرار گرفتن او در لیست مازاد استقلال بود. از سوی دیگر درباره زیر نیک‌نفس هم شرایط تقریباً مشابه است و او هم در تمرینات و مسابقات دوستانه حضور نداشت.

در شرایطی که نکونام چندان تمایلی به ماندن نیک‌نفس و مطهری در ترکیب نفراتش ندارد، باشگاه مس رقستنجان به آبی‌پوشان اعلام کرده در صورتی حاضر به جدایی فرسید باقی و حضور او در استقلال می‌شود که نیک‌نفس و مطهری نارنجی‌پوش شوند. این درخواست محرم نویدکیا سرمربی مس رقستنجان به نظر می‌رسد مورد قبول نکونام هم هست. حتی گفته می‌شود در حاشیه دیدار دوستانه روز گذشته استقلال و مس رقستنجان نویدکیا و نکونام در این باره صحبت کردند و با هم به توافق رسیده‌اند.

مسئله اصلی اما عدم توافق مطهری و نیک‌نفس با مسئولان استقلال برای جدایی است. این دو بازیکن نامهای از باشگاه دریافت کردند که حق حضور در تمرینات ندارند، اما قرارداد آنها باید به صورت توافقی و دو طرفه فسخ شود که اگر این اتفاق نیفتد و استقلالی‌ها یک‌طرفه اقدام



### شیرها به پادشاه هم رحم نکردند

## سقوط یک امپراطوری

بایرلورکوزن در شبی تاریخی موفق شد بایرن مونیخ را از جایگاه همیشگی‌اش به زیر بکشد. به گزارش فوتبال ۳۶۰، ال‌دیگو کارش را انجام داده و زمان فریاد بود؛ او فریاد می‌زد و جام در دست، غزل پیروزی و رجز برتری می‌خواند. برتری بر برزیلی که پادشاه فوتبال دنیا صدایش می‌زدند، روی دوش عاشقانش بارها و بارها گفت؛ ما قهرمان شدیم! «ببینید این برزیل نیست، آرژانتین است که قهرمان شده است». او و یارانش فینال را در مقابل تیم دیگری به سرانجام رسانده بودند، اما گویا هدف اصلی برزیل نام داشت؛ پادشاهی که قهرمانی مثل مارادونا باید از به زیر کشیده شدنش حرف می‌زد. در آن روز تاریخی دیگو مارادونا، خود فوتبال نام داشت؛ فوتبالی که به هیچ پادشاهی مجال حکومت ابدی نمی‌دهد و سکوی نخست را برای همیشه در سینه‌ها گام‌هایی یکسان نگه نمی‌دارد. اگر قهرمانی است، باید سهم همه باشد و اگر افتخار است باید دست به دست بگردد تا همه در هر شکل و اندازه و ظرفیتی بتوانند آرزوی ایستادن بر قله‌های این ورزش را داشته باشند. روایت تکرار می‌شود و فوتبال باز هم دست‌اندر کار نگارش داستانی مشابه است. در بای‌آرنا شاید کسی جسارت ال‌دیگو را نداشته باشد، اما همه در ذهن خود و با چشم‌های خود زمزمه می‌کنند و حتی فریاد می‌زنند؛ «ما بر دیم! ببینید این بایرن مونیخ نیست، لورکوزن است که به سمت قهرمانی پیش می‌رود». تاریخ بوندس‌لیگا به یک نقطه عطف رسید؛ نقطه‌ای که مونیخ با تمام هیبتش تسلیم جاه‌طلبی یک رقیب بزرگ شد و در خانه حریف شکست‌ناپذیرش، سراپا تسلیم درخشش شاکر دان زابی آلونسو بود.

## غنیمت مجاله شده زرد رنگ

### قسمت اول

در وقت قلب ورزشگاه «سریا» رخت‌کن برزیل به یک سردخانه تبدیل شده بود؛ بازیکنان برزیل به شدت گریه می‌کردند. «پاتولو ایزیدرو» همچون حادثه غریبی که به طرزی باورنکردنی اتفاق افتاده بود، مدام تکرار می‌کرد: «ما به ایتالیا باختیم. ما بد به ایتالیا باختیم.»

«گلیبرتسو تیم»، مربی برزیل با مشت به در کوبید و «اسکار» عصبانی‌تر از همیشه فریاد زد: «شما همان‌هایی هستید که از دل‌تنگی شکایت می‌کردید. الان خوشحالی‌اید! خیلی خوش، شما فردا در خانه‌ها پتان هستید.»

به خانه برمی‌گشت. «جوزپه برونو» به سمت سوکراتس رفت تا پیراهنش را بگیرد، بعد به صف ذخیره‌های ایتالیا در زمین اضافه شد تا جشن صعود را برپا کنند. بوگومی با غنیمت مجاله شده زرد رنگ در دستش، در میانه میدان می‌رقصید. در حالی که کاپیتان برزیل با پیراهن برونو بر دوش، به رخت‌کن می‌رفت. صورتش از هر حسی خالی بود. ادر، پانولو ایزیدورو و والدیر برس، جلوتر از او در تونل رخت‌کن حرکت می‌کردند؛ با چهره‌هایی که تابلویی مصور از حیرت‌زدگی و کفر بود.

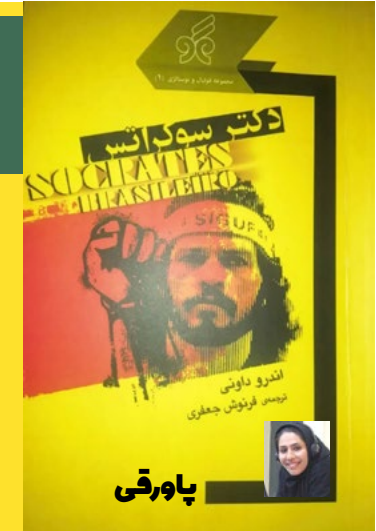
روی تیرک افقی دروازه دور کرد و با سوت داور به نشانه خطا، نفس راحتی کشید.

دروازه‌بان کهنه کار ایتالیایی تا می‌توانست وقت را تلف کرد. توپ را به دفاع پاس داد و سپس پاس رو به عقب مدافع را برداشت و با ضربه‌ای بلند از محوطه خطر دور کرد.

این آخرین ضربه بازی بود؛ ثانیه‌هایی بعد، داور در سوت خود دمید و یکی از جذاب‌ترین بازی‌های تاریخ فوتبال را به پایان رساند. نتیجه نهایی: ایتالیا ۳ برزیل ۲. دوست‌داشتنی‌ها حذف شدند. برزیل جذاب ۱۹۸۲ باید

برزیل با ۹ بازیکن در محوطه جریمه ایتالیا، آماده یورش به سمت دروازه بود؛ ساعت دقیقه ۹۰+۲ را نشان می‌داد که «ادر» به نقطه‌ای دور تر رفت تا زنده ضربه کرنر باشد. یکی از بزرگترین تیم‌های تاریخ، ناامیدانه، تنها به یک گل احتیاج داشت تا خود را به مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی برساند.

ادر، تابلوی تبلیغاتی کنار زمین را هل داد تا در موقعیت بهتری برای ارسال توپ قرار گیرد؛ سپس قدم به جلو گذاشت. توپ را به عقب کشید و بعد با پای چپ، آن را روی دروازه ارسال کرد. «دینو زوف» به زحمت توپ را از



پاورقی